



به نام خداوند بخشنده مهربان
 خاطراتی از دوران تحصیل در دانشگاه شهید چمران اهواز
 اینهاست و انزوی و دوری ۶۶ گویی چیز کسی را نگذرد و در یک بودم و به قول برخی از
 دوستان صفا لیس. جنت ۱ آورده بودیم. حدود یک سال از دوران تحصیل صاف
 با جنگ تمیزی بود. همه مردم به حملات هوایی آبی عراقی عادت کرده بودند کسی به
 اینها نگاه نمی‌رفت. شیک منده هوایی که در شب از بیابای خاکی راست که به تانکهای
 آن می‌نشستم. به جهت و بهیت جنگی که در آن زمان مکتوب انعامت در همه جا
 دید می‌شد از همه در خرابیها. بنده در خرابیها شهید مرعشی واقع در فکده شهید است
 سینا هم مستقر بودم. از ۹ اتاق خوابگاه. تنها ۱۲ اتاق که بزرگتر بودند و
 تعداد بیشتری داشتند در آنها ساکن بودند. مجزبه کولر بودند. بقیه دانشجویان برای مطالعه
 و خواب در واقع گرم سال در نمازخانه که مجزبه دو کولر بودند، جمع می‌شدند و هر کسی با
 یونی کوهی که در کازمین انداخته بود، هم دوره استراحت خود را متنظم می‌کرد.

در سال ۱۳۶۸ به مدت نودت رجب انقذاب، امتحانات پایان ترم با تأخیر انجام د
 به اواخر تیر و اوایل مرداد کولر لند. لندت گره به حدی که زیاد بود که منبع آب در لندت بام
 به لندت گرم می‌شد و مجبور بودیم برای همین آمدن در یک آب تا یایی از لندت صبر کنیم
 تا به آن استقامت کرد. با تمام سختی آبی که در دوران تحصیل آن زمان متحمل شدیم اما بهترین
 دوران تحصیل بند. به همان زمان تعلق دارم و در استان دوران تحصیل در صفا لیس اهواز
 ارتباط داریم و سعی می‌کنیم مای یکبار با هم دیداری داشته باشیم که رفته بین در بهمن ۶۶
 در دانشگاه شهید چمران در هم جمع شد. بودیم.

علیرضا صبوری
 دانشجوی ۶۶